

متن پرسش

سلام علیکم. بهشت زیر پای مادران است یعنی چه؟ مقام مادر مقام حقیقی است یا اعتباری؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده عرایضی در این رابطه در کتاب «زن؛ آن‌گونه که باید باشد» آورده‌ام که مختصر آن را این‌جا عرض می‌کنم: در حالی بهشت زیر پای مادران است که اگر مادران جامعه درست عمل نکنند؛ جامعه به جهنمی تبدیل می‌شود که نه مرد می‌تواند ادامه‌ی حیات دهد و نه زن. این که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»؛ بهشت زیر پای مادران است. چون موضوع وظایف مادری نسبت به فرزند، یک موضوع تربیتی و معنوی است و از این جهت ارزش خاص خود را دارد. در جامعه‌ای که زنان از وظیفه مادری خارج شوند و نقش پدری به عهده گیرند، افراد آن جامعه از بهشت محروم می‌شوند. این نکته را از آن جهت عرض کردم که عزیزان عنایت داشته باشند که از منظر اسلام روی هم رفته مسیر حقیقی زن به کدام سمت است تا بتوان مسیر غیرحقیقی او را نیز معلوم کرد. با توجه به این نکته است که ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در توصیه‌های خود می‌خواهند شرایطی فراهم شود تا بستر وظیفه‌ی مهم مادری زنان به خوبی فراهم گردد، و این رسالت اجتماعی که در چهاردیواری خانه انجام می‌شود ضایع نگردد. اگر زنان نقش پدر را به عهده گرفتند و خانواده دارای دو پدر شد خسارت اصلی که همان غفلت از نقش مادری است سر بر می‌آورد. در این راستا دو مشکل پیش می‌آید ممکن است مهدهای کودک بتوانند از نظر نظم رفتار و گفتار کودکان ما را راهنمایی کنند ولی از آن جایی که انسان‌ها با دلشان زندگی می‌کنند باید مادران با دلسوزی خاص خود دل‌های کودکان را جهت دهند و این کار از هیچ‌کس و هیچ‌جا به معنی خاص آن بر نمی‌آید. تربیت حقیقی انسان‌ها، مخصوص مادران است و فقط مادرانند که با غریزه‌ی مادری عمل می‌کنند. همان‌طور که کودک با هدایت باطنی و الهی می‌داند چگونه پستان مادرش را بمکد، اگر مادران در بستر طبیعی خود قرار گیرند به کمک همان هدایت باطنی و الهی به بهترین نحو وظیفه خود را انجام می‌دهند. وقتی زندگی، مغلوب نظر به ناکجا آبادهای خیالی شد و انسان‌ها به وسیله‌ای برای پول‌درآوردن تبدیل شدند، خانواده به چیزی تقلیل می‌یابد که دیگر خانه امن نیست و مسلم در چنین شرایطی اصل حیات انسانی به خطر می‌افتد و از ایمنی پایدار که در خانه می‌توان به آن دست یافت محروم می‌شود. دگرگونی در معنی خانواده موجب از بین رفتن شکنای حقیقی شده و دیگر بشر مسکن ندارد، چون خانواده از معنی دینی خود

بیرون رفته، دیگر کسی بهشت را در زیر پای مادران جستجو نمی‌کند. همه اعضاء به یکدیگر به عنوان یک ابزار می‌نگرند و هیچ‌کس آرامش خود را در دیگری نمی‌یابد، و هیچ‌کس نمی‌خواهد منشأ آرامش دیگری باشد. هیچ‌کس تلاش نمی‌کند نور «مودت و رحمت» را که خداوند به والدین داده است، پاس دارد و به اندک حادثه‌ای آن مودت و رحمت خدادادی زیر پا گذارده می‌شود و نگران قهر و غلبه کدورت در فضای خانه نیستند و هیچ‌کس نگران فرو ریختن سرای بقاء و خانه سُکنی نیست، آیا بشر نیاز به بقاء و سُکنی ندارد؟ آیا در جایی غیر از خانواده می‌توان آن را سراغ گرفت؟ موفق باشید